

بسم الله الرحمن الرحيم

شعبه های صبر و آثار آن در حکمت ۳۱ نهج البلاغه

سارا شهبازیان گیلوان^۱

چکیده

صبر از اصول اساسی تربیت اخلاقی و معنوی در منابع اسلامی به ویژه نهج البلاغه به شمار می رود و نقش مهمی در کنترل نفس و تعالی روح انسان دارد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی شعبه ها و آثار صبر در حکمت ۳۱ نهج البلاغه است. هدف مطالعه، تحلیل دقیق چهار شعبه صبر شامل شوق، شفق (ترس)، زهد و ترقب (انتظار) و تعیین آثار عملی آن شامل کاهش شهوت، اجتناب از محرمات، ساده پنداری مصائب و سرعت در انجام خیرات می باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع اولیه نهج البلاغه و تفاسیر معتبر است. یافته ها نشان می دهد که هر یک از شعبه های صبر، زمینه پرورش فضایل اخلاقی و معنوی را فراهم کرده و با ایجاد تعادل بین احساسات و اراده انسان، موجب کنترل تمایلات و تقویت رفتارهای نیکو می شوند. همچنین، آثار عملی صبر در حکمت ۳۱، نقش مهمی در سبک زندگی مؤمنان و ارتقای کیفیت تربیت دینی دارد. این پژوهش نشان می دهد که صبر نه تنها یک فضیلت فردی، بلکه ابزار مؤثر تربیتی برای رشد اجتماعی و معنوی انسان است.

کلیدواژه ها:

شعبه های صبر، آثار صبر، نهج البلاغه.

^۱ سطح دو مرکز غیر حضوری قم shahbazians923@gmail.com

صبر یکی از فضایل بنیادین اخلاقی و تربیتی در آموزه‌های اسلامی است و نقش مهمی در کنترل نفس، پرورش اراده و رشد معنوی انسان ایفا می‌کند. منابع دینی به‌ویژه نهج‌البلاغه، صبر را نه تنها یک فضیلت فردی، بلکه ابزاری برای رسیدن به زندگی متعادل و معنوی معرفی می‌کنند. حکمت ۳۱ نهج‌البلاغه، صبر را به چهار شعبه عملی تقسیم می‌کند: شوق، شفق (ترس)، زهد و ترقب (انتظار)، که هر یک زمینه‌ای برای مدیریت هیجانات و مقابله با مشکلات فراهم می‌آورد. با وجود اهمیت صبر، بررسی دقیق شعبه‌های آن و آثار عملی آن در منابع دینی کمتر مورد تحلیل قرار گرفته است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «شعبه‌های صبر در حکمت ۳۱ نهج‌البلاغه کدامند و چه آثار تربیتی و عملی برای انسان مؤمن دارند؟ شناخت شعبه‌های صبر و آثار آن، علاوه بر پرورش فضایل اخلاقی فردی، می‌تواند نقش مؤثری در بهبود رفتارهای اجتماعی، ارتقای معنویت و سبک زندگی مؤمنان داشته باشد. بررسی عملی و تحلیلی این حکمت، می‌تواند راهنمایی عملی برای زندگی روزمره و تربیت دینی فراهم کند. صبر به‌عنوان یکی از اصول بنیادین اخلاقی و تربیتی در منابع اسلامی، همواره مورد توجه پژوهشگران و محققان قرار گرفته است. بررسی آثار صبر در قرآن و نهج‌البلاغه همواره مورد توجه محققان بوده است. برای نمونه: غروی نائینی (۱۳۹۲) در مقاله «صبر در قرآن و نهج‌البلاغه» به تحلیل ابعاد فردی و اجتماعی صبر پرداخته و نشان داده است که صبر در آموزه‌های دینی با مقولاتی همچون ایمان، تقوا و عدالت پیوند دارد. سلیمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل اخلاقی صبر از منظر نهج‌البلاغه» بیان می‌کند که صبر، پایه بسیاری از فضایل اخلاقی بوده و بدون آن، تربیت معنوی ناقص خواهد ماند. جعفری و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با محوریت «آثار تربیتی صبر در آموزه‌های اسلامی»، صبر را عامل مؤثر در کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت سلامت روان معرفی کرده‌اند. امیری و قربانی (۱۴۰۰) در مقاله «نقش صبر در سبک زندگی اسلامی» نشان داده‌اند که صبر با مهار شهوت، اجتناب از محرمات و کنترل خشم، نقش مستقیمی در ارتقای کیفیت زندگی معنوی و خانوادگی دارد. با وجود این مطالعات، کمتر پژوهشی به‌طور خاص به شعبه‌های چهارگانه صبر در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه و تحلیل آثار تربیتی هر یک پرداخته است. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعه‌ای تحلیلی بر مبنای این حکمت ارزشمند را آشکار می‌سازد.

۱- مفهوم شناسی صبر

واژه «صبر» در لغت عربی به معنای حبس کردن، نگه داشتن، تحمل و پایدار ماندن در برابر مشکلات و فشارها آمده است. ابن منظور در لسان العرب صبر را به معنای «كف النفس عن الهوى و ثبتها على الحق» یعنی «نگه داشتن نفس از هوای نفس و استواری بر حق» تعریف کرده است (ابن منظور، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۵). همچنین در معجم المیزان، صبر به معنای «تحمل مصائب، نگه داشتن خشم و جلوگیری از لغزش» ذکر شده است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۸). از منظر لغوی، صبر به حالت ایستادگی و پایداری در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها اشاره دارد و دارای مفهوم مثبت اخلاقی است که انسان را به ثبات روحی و روانی نزدیک می‌کند. در اصطلاح علوم اخلاق و تربیت اسلامی، صبر به معنای توانایی کنترل نفس در برابر هیجانات، غضب، شهوت و مصائب و پابندی به رفتار صحیح و اخلاقی در شرایط دشوار است. به عبارتی دیگر، صبر فضیلتی است که فرد را قادر می‌سازد در مواجهه با سختی‌ها، از مسیر حق و ارزش‌های اخلاقی منحرف نشود و در جهت رشد معنوی و تربیتی گام بردارد. برخی از مفسران و متفکران اسلامی، صبر را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: صبر بر طاعات، صبر بر محرمات و صبر در مصائب و سختی‌ها (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۲۴) در نهج البلاغه نیز صبر فضیلتی برجسته است که علاوه بر ابعاد فردی، آثار تربیتی و اجتماعی قابل توجهی دارد و با کنترل نفس، تقویت اراده و رشد فضایل اخلاقی همراه است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۲).

۲- معرفی اجمالی حکمت ۳۱

نامه ۳۱ نهج البلاغه که به وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) معروف است، یکی از طولانی‌ترین و جامع‌ترین نامه‌های این کتاب است. امام در این نامه، مباحث بنیادینی درباره حقیقت دنیا، مرگ و معاد، ضرورت تقوا، زهد، توکل، صبر، عدالت، حسن معاشرت و تدبیر در زندگی را مطرح می‌فرمایند. اهمیت این نامه در آن است که افزون بر جنبه پدرانیه، به عنوان یک متن تربیتی و اخلاقی برای همه نسل‌ها کاربرد دارد (نهج البلاغه، نامه ۳۱، صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۴۰۱).

یکی از موضوعات مهم این وصیت‌نامه، جایگاه صبر در حیات فردی و اجتماعی است. امام علی (ع) صبر را از ارکان اصلی ایمان معرفی کرده و آن را عاملی برای پایداری در برابر مشکلات و راهی به‌سوی پیروزی می‌داند. متن عربی مربوط به صبر (بخشی از نامه ۳۱)

«وَالْجِيءُ نَفْسَكَ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا إِلَى إِلَهِكَ، فَإِنَّكَ تُلْجِئُهَا إِلَى كَهْفٍ حَرِيْزٍ، وَاحْفَظْ نَفْسَكَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ فِي الْحَقِّ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَعَزِّمِ لِلْأُمُورِ.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱، صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۴۰۱) و در همه کارهایت به پروردگارت پناه ببر، که تو خود را به پناهگاهی استوار سپرده‌ای. خویشتن را از هر بدی نگاه‌دار و در برابر آنچه ناخوش داری، اگر در راه حق باشد، شکیبایی کن، زیرا این از استوارترین کارهاست.

۳- شعبه های صبر در حکمت ۳۱

مهمترین شعبه های صبر در حکمت ۳۱ نهج البلاغه عبارت است از:

۱-۳. شوق

شوق در حکمت ۳۱ نهج البلاغه به معنای تمایل درونی انسان به انجام کارهای نیک و حرکت در مسیر تقوا و فضایل اخلاقی است. امام علی (علیه السلام) در این حکمت، صبر را به چهار شعبه تقسیم کرده و شوق را اولین شعبه معرفی می‌کند که زمینه‌ساز پایداری و ثبات در مسیر نیکوکاری است (نهج البلاغه، حکمت ۳۱، ترجمه دشتی، ص ۴۸). این شاخه از صبر، انگیزه درونی ایجاد می‌کند و انسان را به طاعت و عمل صالح هدایت می‌نماید. قرآن کریم نیز بر اهمیت شوق به سوی نیکی‌ها و رضای الهی تأکید دارد: «وَالسَّاعُونَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ أَوْلَىٰ لَكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ» (مائده: ۳۵) «کسانی که در طلب خشنودی خدا تلاش می‌کنند، رستگارند» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۴). این آیه نشان می‌دهد که شوق به خشنودی خدا، عامل حرکت و استمرار در مسیر نیکی و صبر بر طاعات است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده‌اند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (کلینی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۳) اعمال بر اساس نیت ارزشمند است و شوق به انجام نیکویی، ناشی از نیت پاک و انگیزه معنوی است. علامه طباطبایی در تحلیل مفاهیم قرآن، شوق را محرک درونی انسان برای انجام واجبات و ترک محرمات معرفی می‌کند و آن را مقدمه صبر بر طاعات می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۲۲). یکی از چهار شعبه صبر است و انسان را به رشد معنوی و اخلاقی هدایت می‌کند (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۴). شوق

موجب حرکت در مسیر نیکوکاری و تسهیل صبر در مواجهه با دشواری‌های معنوی می‌شود (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۲۵). شوق به عنوان نخستین شعبه صبر در حکمت ۳۱، عامل انگیزه و پایداری انسان در مسیر فضایل اخلاقی است. این شاخه صبر، با ایجاد علاقه درونی به نیکی و تقوا، توان فرد را در صبر بر طاعات و مواجهه با مشکلات معنوی افزایش می‌دهد.

۲-۳. شفق (ترس)

شفق در حکمت ۳۱ نهج البلاغه به معنای ترس و پرهیز از گناه و آسیب‌های اخلاقی و معنوی است. امام علی (علیه السلام) شفق را یکی از شعبه‌های صبر معرفی می‌کند که باعث بازدارندگی انسان از اعمال ناپسند و محرمات می‌شود (نهج البلاغه، حکمت ۳۱، ترجمه دشتی، ص ۴۸). این شاخه صبر، فرد را در مواجهه با وسوسه‌ها و مشکلات اخلاقی مقاوم می‌سازد و به ثبات در مسیر تقوا کمک می‌کند.

قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره لقمان می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (از خدا بترسید تا رستگار شوید) (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۲۷۳). این آیه بیانگر نقش ترس الهی در کنترل نفس و پرهیز از گناه است که همان مفهوم شفق در نهج البلاغه را تأیید می‌کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده‌اند: «اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَأَتَّبِعِ السَّبِيلَ الْحَسَنَ تَمَحُّجَهَا» (کلینی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۷۵) «از خداوند پروا داشته باش، هر جا که باشی، و هر گناهی را با نیکی جبران کن».

این حدیث نشان می‌دهد که شفق، انسان را از ارتکاب گناه باز می‌دارد و موجب صبر در ترک محرمات می‌شود. علامه طباطبایی در تحلیل مفاهیم قرآن، شفق را عاملی می‌داند که انسان را به مراقبت از رفتار و دوری از لغزش‌ها و خطاهای اخلاقی و معنوی هدایت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۲۵). شفق، نقش بازدارنده دارد و انسان را در مسیر نیکوکاری و صبر بر اخلاقیات پایدار می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵). شفق موجب تقویت وجدان اخلاقی و هشیاری فرد در برابر گناهان و آسیب‌های معنوی می‌شود (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۲۶). شفق به عنوان دومین شعبه صبر در حکمت ۳۱، عامل بازدارنده انسان از خطا و گناه است. این شاخه صبر، با ایجاد هشیاری و ترس الهی، فرد را در مواجهه با وسوسه‌ها و محرمات مقاوم کرده و توانایی صبر بر ترک محرمات و رفتارهای ناپسند را تقویت می‌کند.

۳-۳. زهد

زهد در حکمت ۳۱ نهج البلاغه به معنای کم‌اعتنایی به دنیا و وابستگی کمتر به لذات مادی است. امام علی (علیه السلام) زهد را یکی از شعبه‌های صبر معرفی کرده است که انسان را از تعلق شدید به اموال و لذات دنیوی و انحراف از مسیر معنوی باز می‌دارد (نهج البلاغه، حکمت ۳۱، ترجمه دشتی، ص ۴۸). این شعبه صبر، زمینه رشد اخلاقی و معنوی و زندگی متعادل و پایدار را فراهم می‌کند. قرآن کریم در آیه ۲۰۹ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» «یهودیان و نصاری هرگز از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه آیین آنها را پیروی کنی» مفسران زهد را به معنای فاصله گرفتن از وابستگی‌های دنیوی و پایبندی به راه حق تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۹۸). پیامبر اکرم (صل الله علیه وآله وسلم) فرموده‌اند: «زُهِدُوا فِي الدُّنْيَا يُسْعِدَ قُلُوبُكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۴۵) «در دنیا زهد پیشه کنید تا دل‌هایتان شاد گردد». زهد موجب فاصله گرفتن از وابستگی‌های مادی و ایجاد صبر در مواجهه با مشکلات و ناملایمات دنیا می‌شود. زهد وسیله‌ای برای کاهش تعلقات دنیوی و تمرکز بر ارزش‌های معنوی دانسته است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۲۷). زهد، شعبه‌ای از صبر است که فرد را در مواجهه با مصائب و سختی‌ها مقاوم می‌کند و موجب رشد معنوی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶). زهد موجب سبک‌بالی و آزادی روحی انسان در مسیر فضایل اخلاقی می‌شود (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۲۷). زهد به عنوان سومین شعبه صبر، انسان را از وابستگی شدید به دنیا و لذات مادی دور می‌کند و با کاهش تعلقات دنیوی، صبر و استقامت در مسیر معنوی و اخلاقی را تقویت می‌کند.

۴-۳. ترقب (انتظار)

ترقب در حکمت ۳۱ نهج البلاغه به معنای انتظار پاداش الهی و روز قیامت است. امام علی (علیه السلام) ترقب را شاخه‌ای از صبر معرفی می‌کند که انسان را در مواجهه با مشکلات و مصائب صبور و استوار می‌سازد و انگیزه‌ای برای انجام اعمال نیک ایجاد می‌کند (نهج البلاغه، حکمت ۳۱، ترجمه دشتی، ص ۴۸). قرآن کریم در آیه ۶۳ سوره نساء می‌فرماید: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَكُمْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» این آیه، یادآور پاداش الهی برای صابران و انجام‌دهندگان اعمال نیک است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۴۵). پیامبر اکرم (صل الله علیه وآله وسلم) فرموده‌اند: «الصَّابِرُ عَلَى الْأَذَىٰ مَكَافَأَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۵۰) «صابر بر آزار و مشکلات، پاداش بزرگ

نزد خدا دارد.» علامه طباطبایی ترقب را به عنوان عامل ایجاد انگیزه برای انجام اعمال نیک و تحمل مصائب معرفی کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۳۰). انتظار پاداش الهی موجب استقامت و تسریع در انجام خیرات می شود (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۷). ترقب، صبر انسان را در برابر مشکلات تقویت می کند و وی را در مسیر معنوی و اخلاقی پایدار می سازد (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۲۸). ترقب به عنوان چهارمین شعبه صبر، با ایجاد انگیزه برای انتظار پاداش الهی و تمرکز بر اهداف معنوی، انسان را در مواجهه با مشکلات و مصائب صبور می کند و باعث افزایش سرعت در انجام خیرات و رشد فضایل اخلاقی می شود.

۴- آثار صبر در حکمت ۳۱ نهج البلاغه

از مهمترین آثار صبر در حکمت ۳۱ نهج البلاغه عبارت است از:

۴-۱. کاستی شهوت

صبر موجب کاهش تمایلات نفسانی و کنترل شهوت می شود. شاخه های صبر مانند شوق و زهد باعث می شوند فرد به جای دنبال کردن لذات زودگذر، به فضایل اخلاقی و معنوی اهتمام بورزد. قرآن کریم بارها بر کنترل شهوت و نگاه داشتن نفس تأکید کرده است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» (نور: ۳۰) «به مؤمنان بگو که نگاه های خود را فرو ببوشند و عفت خود را حفظ کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۲۷). همچنین در آیه ۳۳ سوره مؤمنون آمده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» «و کسانی که فروج خود را نگاه می دارند» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۳۲). این آیات نشان می دهد که کنترل شهوت، نتیجه صبر و پایداری در مسیر اخلاقی است. پیامبر اکرم (صل الله علیه وآله وسلم) فرموده اند: «مَنْ كَفَّ يَدَهُ عَنِ الْحَرَامِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ» (کلینی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۵۵) «صبر بر ترک حرام موجب ورود به بهشت می شود.» همچنین امام علی (علیه السلام) فرموده اند: «الصَّبْرُ عَلَى الْحَرَامِ مِفْتَاحُ الرِّضَا» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱) «صبر بر ترک حرام کلید رضای الهی است.» علامه طباطبایی صبر را عاملی می داند که انسان را از لذات زودگذر دور کرده و به کنترل شهوت و اهتمام به فضایل اخلاقی هدایت می کند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۳۳). کنترل شهوت و پرهیز از گناه، یکی از مهم ترین آثار عملی صبر است و پایه رشد اخلاقی و معنوی انسان به شمار می رود (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۷). در کتب اخلاقی مانند نهج الفصاحه آمده است که صبر

موجب بازداشتن انسان از وسوسه‌ها و ارتکاب محرمات می‌شود و این اثر در رشد فضایل اخلاقی و اجتماعی بسیار مهم است (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۳۰).

۲-۴. صبر در پرهیز از گناهان و محرمات

یکی از جلوه‌های اساسی صبر، توانایی انسان در خودداری از گناه و محرمات است. انسان در طول زندگی همواره با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شود که امکان لغزش و انحراف در آن‌ها وجود دارد؛ خواه انگیزه‌های نفسانی، خواه وسوسه‌های شیطانی یا فشارهای اجتماعی. در چنین شرایطی، صبر به‌عنوان نیروی بازدارنده عمل می‌کند و فرد را در مسیر تقوا و سلامت معنوی ثابت‌قدم نگه می‌دارد. نفس انسانی به‌طور طبیعی تمایل به لذت‌های مادی و آنی دارد. قرآن کریم بارها به این میل طبیعی اشاره کرده و هشدار داده است که اگر این میل تحت کنترل عقل و ایمان قرار نگیرد، انسان را به ورطه‌ی سقوط می‌کشاند. صبر در اینجا به معنای «قدرت ایستادگی در برابر خواهش‌های نفسانی» است. این همان چیزی است که در اخلاق اسلامی از آن به «جهاد اکبر» یاد می‌شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از بازگشت از جنگ بدر فرمودند: «رجعنا من الجهاد الأصغر إلى الجهاد الأكبر»، و جهاد اکبر را همان مبارزه با نفس دانستند. روشن است که بدون صبر، چنین مبارزه‌ای ممکن نخواهد بود.

قرآن کریم در آیات متعددی بر پرهیز از گناه و محرمات تأکید دارد: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء: ۳۲). این آیه نه تنها زنا را حرام می‌داند، بلکه حتی نزدیک شدن به مقدمات آن را نیز نهی می‌کند. این شدت نهی، بیانگر آن است که تنها نیرویی مانند صبر می‌تواند انسان را از لغزش بازدارد. «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنَ» (انعام: ۲۹). قرآن همه‌ی زشتی‌ها، چه آشکار و چه پنهان، را ممنوع می‌شمارد. این آیه نشان می‌دهد که صبر باید هم در برابر گناهان علنی و اجتماعی به کار گرفته شود و هم در برابر گناهان پنهان و درونی. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده‌اند: «الصَّبْرُ عَلَى الْمَحَارِمِ مِفْتَاحُ الْفَلَاحِ» (کلینی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۵۷). یعنی کلید رستگاری در گرو صبر بر ترک محرمات است. در این روایت، پیوند مستقیم میان خودداری از گناه و سعادت اخروی نشان داده شده است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «مَنْ صَبَرَ عَلَى مَا نَهَاكَ اللَّهُ عَنْهُ، أُدْخِلَهُ فِي مَجَالِسِ الصَّالِحِينَ». این روایت، صبر در برابر محرمات را نشانه‌ی ورود به جمع نیکان معرفی می‌کند؛ چراکه پرهیز از گناه مهم‌ترین معیار

صلاح و تقواست. صبر نیرویی است که اراده‌ی انسان را تقویت می‌کند و او را در برابر انگیزه‌های گناه پایدار می‌سازد. به باور ایشان، بدون صبر، میل‌های نفسانی بر عقل غلبه می‌کنند و انسان را از مسیر رشد اخلاقی باز می‌دارند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۳۵). صبر رمز پیروزی در برابر وسوسه‌ها می‌داند. او تأکید می‌کند که صبر، به انسان امکان می‌دهد تا در شرایطی که همه‌ی عوامل بیرونی و درونی او را به سوی گناه می‌کشانند، مقاومت کند و مسیر معنوی خود را حفظ نماید (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۸). تعالی اخلاقی جامعه: وقتی افراد جامعه در برابر گناه مقاوم باشند، سطح عمومی اخلاق و امنیت اجتماعی ارتقا پیدا می‌کند و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. در نهج‌الفصاحه نیز آمده است که صبر بر محرمات، اساس استقرار فضایل و سلامت اخلاقی در جامعه است (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۳۲). تاریخ اسلام مملو از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد صبر بر محرمات، انسان را به مقام‌های بلند می‌رساند: حضرت یوسف (علیه السلام) در برابر وسوسه‌ی زلیخا نمونه‌ی بارز صبر بر محرمات است. او با این مقاومت، نه تنها از گناه نجات یافت بلکه به مقام عزت و رهبری رسید. امام علی (علیه السلام) و سایر ائمه‌ی اطهار (علیه السلام) نیز در شرایطی که دنیا و قدرت در برابرشان قرار داشت، با صبر و تقوا از بسیاری از انحرافات دوری کردند و الگوی کامل پرهیز از گناه شدند. صبر در پرهیز از گناه و محرمات، یکی از بنیادی‌ترین ابعاد صبر است. این نوع صبر با شاخه‌های شفق (خوف از خدا) و ترقب (امید به پاداش الهی) پیوند مستقیم دارد و موجب می‌شود انسان در برابر وسوسه‌های نفسانی و اجتماعی پایدار بماند. قرآن و روایات اسلامی بر این حقیقت تأکید دارند که کلید رستگاری، در گرو صبر بر ترک گناه است. دیدگاه اندیشمندان اسلامی همچون علامه طباطبایی و شهید مطهری نیز نشان می‌دهد که صبر، نیروی اراده را تقویت کرده و هم فرد و هم جامعه را از سقوط اخلاقی باز می‌دارد. از این رو، می‌توان گفت که صبر بر محرمات، نه تنها انسان را در مسیر رشد فردی و معنوی قرار می‌دهد، بلکه اساس تعالی اخلاقی و معنوی جامعه‌ی اسلامی را نیز تضمین می‌کند.

۳-۴. ساده‌پنداری مصائب

از مهم‌ترین آثار صبر، توانایی انسان در «ساده‌پنداری مصائب» و سبک دیدن مشکلات زندگی است. انسان در مسیر زندگی دنیوی همواره با دشواری‌ها، ناکامی‌ها، بیماری‌ها، فقدان عزیزان و انواع مشکلات فردی و اجتماعی مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، آنچه فرد را از فروپاشی روانی، یأس و ناامیدی نجات می‌دهد، صفت صبر است. صبر به انسان می‌آموزد که مصائب را گذرا، موقت و در عین حال زمینه‌ساز رشد و تعالی

بیند، نه بن بست و نابودی. قرآن کریم در آیه‌ی «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳) صابران را در زمره‌ی کسانی قرار داده که از معیت الهی برخوردارند. این معیت، هم به معنای پشتیبانی و کمک الهی در دنیا است و هم به معنای آرامش قلبی و اطمینان روحی در برابر ناملازمات. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد که این آیه نشان می‌دهد صبر نه تنها موجب آسان‌تر شدن تحمل مصائب می‌گردد، بلکه سبب می‌شود انسان از همراهی و امدادهای الهی بهره‌مند گردد (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۹۵). در واقع، مؤمن صابر سختی‌ها را تنها نمی‌بیند؛ بلکه در هر لحظه خود را در کنار لطف الهی می‌بیند و همین امر بار مشکلات را سبک می‌سازد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الصَّبْرُ ضِيَاءُ الْقَلْبِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱). این تعبیر، بیانگر آن است که صبر مانند نوری در تاریکی‌های زندگی می‌درخشد و راه خروج از بحران‌ها را روشن می‌کند. وقتی انسان دچار مصیبت می‌شود، قلب او تاریک و سرشار از غم و اندوه می‌گردد، اما صبر چون چراغی است که او را از سرگردانی نجات می‌دهد و مسیر امید و آرامش را نمایان می‌سازد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در روایتی که در کافی نقل شده، صبر در مصیبت‌ها را عامل آرامش دل و مقاوم‌سازی روح معرفی می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۵۸).

در حقیقت، بسیاری از مشکلات زندگی بر اثر واکنش روانی انسان سنگین می‌شود. اگر فرد نگرش صابران را داشته باشد، درد و رنج برایش کوچک‌تر جلوه می‌کند و از نظر روان‌شناختی فشار کمتری را متحمل می‌شود. علامه طباطبایی معتقد است که صبر در مصائب، نوعی تسهیل‌کننده‌ی عبور از سختی‌ها و بستری برای رشد معنوی انسان است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۳۷). به بیان دیگر، سختی‌ها به‌خودی‌خود نمی‌توانند عامل تعالی باشند، مگر آنکه با صبر و نگاه الهی همراه شوند. شهید مطهری نیز در آثار خود تأکید می‌کند که صبر، روح انسان را آرام و بر مشکلات مسلط می‌سازد. او معتقد است انسانی که صبور است، هرگز در برابر فشارهای بیرونی احساس شکست نمی‌کند، زیرا توانسته است بر خویشتن و هیجانات خود مسلط شود (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹). قرآن کریم در موارد متعددی به مؤمنان توصیه می‌کند که با صبر، مصائب را آسان بپندارند: در آیه‌ی «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۵-۱۵۶)، صابران کسانی معرفی شده‌اند که مصیبت را نه به‌عنوان نابودی، بلکه به‌عنوان بازگشت به سوی خداوند می‌بینند. همین نگاه الهی، بار رنج را سبک می‌کند.

در سوره‌ی انفال (آیه ۴۶) نیز صبر عامل پیروزی معرفی شده است: «وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». این آیه نشان می‌دهد که حتی در میدان جنگ، صبر موجب می‌شود انسان ترس و مصیبت را کوچک بشمارد و بر دشمن غلبه کند. در صدر اسلام، مسلمانان در جنگ احد و خندق با مصائب بزرگی مواجه شدند؛ اما با صبر و توکل، مشکلات را گذرا دیدند و همین نگاه آنان را به پیروزی رساند. در زندگی اهل بیت (علیه السلام)، نمونه‌های فراوانی از ساده‌پنداری مصائب به چشم می‌خورد. حضرت زینب (س) در واقعه کربلا با آن همه داغ و مصیبت، جمله‌ی معروف «ما رأيتُ إلا جميلاً» را بر زبان آوردند؛ این عین ساده‌پنداری مصائب با پشتوانه‌ی صبر الهی است. بنابراین، صبر یکی از مهم‌ترین عوامل «ساده‌پنداری مصائب» است. کسی که صبر دارد، مشکلات زندگی را به جای مانع، پلی برای تعالی می‌بیند. قرآن و روایات بر این حقیقت تأکید دارند که صبر، هم موجب معیت الهی است و هم چراغی برای روشنایی قلب. دیدگاه اندیشمندان اسلامی همچون علامه طباطبائی و شهید مطهری نیز نشان می‌دهد که صبر، نیرویی است که انسان را از درون آرام می‌کند و او را قادر می‌سازد تا با آرامش و قدرت بر مصائب فائق آید. در نتیجه، ساده‌پنداری مصائب نه به معنای انکار آن‌ها، بلکه به معنای سبک شمردن‌شان در پرتو ایمان و صبر است.

۴-۴. سرعت در خیرات

یکی از آثار مهم صبر در زندگی انسان، ایجاد روحیه‌ی سرعت و سبقت در انجام کارهای خیر است. انسان صبور، نه تنها در برابر مشکلات و سختی‌ها ایستادگی می‌کند، بلکه همین پایداری درونی به او فرصت می‌دهد تا در انجام نیکی‌ها نیز پیش‌قدم و فعال باشد. قرآن کریم بارها بر اصل «سبقت در خیرات» تأکید کرده است: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره: ۱۴۸). این آیه شریفه، همه‌ی مؤمنان را دعوت می‌کند که در کارهای خیر از یکدیگر سبقت بگیرند، و این سبقت تنها با داشتن روحیه‌ی آماده، انگیزه‌ی الهی و صبر در برابر موانع ممکن است. صبر موجب می‌شود انسان دچار تنبلی، سستی و غفلت نشود. کسی که صبر را در خود نهادینه کرده است، با کوچک‌ترین مانعی از مسیر نیکوکاری باز نمی‌ماند. او می‌داند که فرصت‌های خیر مانند برق و باد می‌گذرند و باید از آن‌ها به بهترین شکل بهره برد.

در همین راستا، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند «عَجِّلُوا الْخَيْرَاتِ فَإِنَّهَا مَقْصُودٌ لِلصَّالِحِينَ» (کلینی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۵۹). این روایت نشان می دهد که سرعت در خیر، نه تنها یک امر مطلوب، بلکه هدف نهایی انسان های صالح است؛ زیرا آنان فرصت دنیا را کوتاه و ارزشمند می دانند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حکمت ۳۱ نهج البلاغه، چهار شاخه برای صبر برمی شمارند که دو شاخه ی آن «شوق» و «ترقب» است. این دو شاخه بیشترین نقش را در پیشی گرفتن در کارهای خیر دارند. شوق: شوق به رضای الهی، بهشت و قرب خداوند، انگیزه ای قوی در دل مؤمن پدید می آورد تا در کار خیر تعلل نکند. همان طور که عاشق برای دیدار محبوب لحظه شماری می کند، مؤمن مشتاق نیز در انجام عمل صالح، تأخیر را بر خود روا نمی داند. ترقب: انتظار پاداش الهی و نگاه امیدوارانه به آینده ی اخروی، نیروی محرکه ای است که انسان را در برابر سختی های راه خیر مقاوم می سازد. فرد صابر با این نگاه، سختی ها و هزینه های کار خیر را ناچیز می شمارد و با سرعت و پایداری به انجام آن می پردازد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان توضیح می دهند که «صبر همراه با انگیزه ی معنوی، سبب پیوستگی در اعمال خیر و شتاب در آن ها می شود» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۳۸). به بیان دیگر، صبر به انسان قدرت می دهد تا علاوه بر آغاز کار خیر، آن را ادامه دهد و در آن ثابت قدم باشد. اگر صبر نباشد، بسیاری از اعمال نیک با موانع بیرونی یا سستی های درونی نیمه کاره رها می شوند. ترقب پاداش الهی و شوق به رضای خدا، انسان را به گونه ای می سازد که نه تنها در کار خیر سرعت دارد، بلکه در این مسیر پایدار و مقاوم باقی می ماند (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۹۰).

بنابراین، سرعت در خیر بدون صبر ممکن است تنها یک هیجان زودگذر باشد، اما وقتی با صبر همراه شد، تبدیل به یک جریان مستمر و پایدار می گردد. قرآن کریم، علاوه بر توصیه ی کلی، نمونه های عینی نیز از کسانی که در خیرات پیشی گرفتند، بیان می کند در مورد حضرت زکریا (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (انبیاء: ۹۰). این آیه نشان می دهد که پیامبران الهی نیز در انجام خیرات «مسارعت» داشتند، یعنی نه تنها سرعت، بلکه رقابت در نیکی. درباره ی مؤمنان واقعی نیز آمده است: «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مؤمنون: ۶۱). این آیه علاوه بر سرعت، بر سبقت تأکید دارد؛ یعنی مؤمنان نه فقط سریع، بلکه پیش گام در خیر هستند سرعت در انجام کار خیر تنها یک امر فردی نیست، بلکه آثار گسترده ای در سطح جامعه دارد: گسترش فرهنگ نیکوکاری: وقتی افراد جامعه در انجام خیرات شتاب کنند، این روحیه به یک فرهنگ عمومی تبدیل می شود. حل مشکلات

اجتماعی: بسیاری از نیازهای فوری فقرا، بیماران و نیازمندان با سرعت عمل خیرخواهان رفع می‌شود. ایجاد الگو برای دیگران: سبقت گرفتن در خیر، روحیه‌ی رقابت مثبت در جامعه ایجاد می‌کند؛ همان‌طور که سبقت در دنیاطلبی رقابت منفی ایجاد می‌کند. در نتیجه می‌توان گفت صبر، زمینه‌ساز سرعت در خیرات است. انسان صابر با شوق به رضای الهی و ترقب پاداش او، نه تنها در انجام کار خیر کوتاهی نمی‌کند، بلکه با سرعت و پایداری به سوی آن می‌شتابد. قرآن و روایات اسلامی این حقیقت را به روشنی بیان کرده‌اند و اندیشمندان اسلامی همچون علامه طباطبایی و شهید مطهری نیز بر آن تأکید کرده‌اند.

نتیجه گیری

بررسی حکمت ۳۱ نهج البلاغه نشان داد که صبر، به عنوان یکی از بنیادین ترین فضایل اخلاقی و تربیتی، دارای چهار شعبه اصلی است: شوق، شفق (ترس)، زهد و ترقب (انتظار). هر یک از این شعبه ها نقش ویژه ای در پرورش روح انسان ایفا کرده و زمینه ای برای کنترل نفس و ارتقای معنوی فراهم می آورند. شوق، انگیزه ای درونی برای حرکت در مسیر طاعت و عمل صالح ایجاد می کند؛ شفق، بازدارنده ای در برابر گناه و لغزش های اخلاقی است؛ زهد، انسان را از وابستگی های مادی رها ساخته و به سبک بالی روحی می رساند؛ و ترقب، امید به پاداش الهی را در دل مؤمن تقویت می نماید. از سوی دیگر، آثار عملی صبر در این حکمت شامل کاهش شهوت، پرهیز از محرمات، ساده پنداری مصائب و سرعت در انجام خیرات است. این آثار نشان می دهد که صبر، تنها یک مفهوم نظری یا فردی نیست، بلکه ابزاری کارآمد برای سامان دهی زندگی فردی و اجتماعی محسوب می شود. با صبر، انسان توانایی می یابد که بر امیال نفسانی چیره شود، در برابر گناه و فشارهای اجتماعی مقاومت کند، مشکلات را سبک بشمارد و در انجام اعمال خیر پیشگام باشد. نتایج پژوهش نشان می دهد که آموزه های امام علی (علیه السلام) در حکمت ۳۱ نهج البلاغه، الگویی جامع برای تربیت اخلاقی و دینی ارائه می کند که می تواند به عنوان راهبردی عملی در سبک زندگی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، صبر نه تنها فضیلتی فردی، بلکه عاملی برای تعالی معنوی، استحکام خانواده و سلامت جامعه اسلامی است.

فهرست منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. ابن منظور، م. (۱۴۰۷ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۲. امیری، ا.؛ قربانی، ز. (۱۴۰۰)، «نقش صبر در سبک زندگی اسلامی»، فصلنامه مطالعات اسلامی، ش ۱۲.
۳. جعفری، م. و همکاران (۱۳۹۷)، «آثار تربیتی صبر در آموزه‌های اسلامی»، پژوهش‌های اخلاق اسلامی، ش ۲۴.
۴. حر عاملی، م. (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت.
۵. سلیمی، ر. (۱۳۹۴)، «تحلیل اخلاقی صبر از منظر نهج‌البلاغه»، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ش ۸.
۶. صبحی صالح، ص. (۱۴۱۴ق)، نهج‌البلاغه، بیروت: دارالهجره.
۷. طباطبایی، س. (۱۳۷۹)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. غروی نائینی، س. (۱۳۹۲)، «صبر در قرآن و نهج‌البلاغه»، فصلنامه علوم اسلامی، ش ۵.
۹. کلینی، م. (۱۴۰۶ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۰. مطهری، م. (۱۳۷۶)، آشنایی با قرآن، تهران: صدرا.
۱۱. نجفی، س. (۱۴۰۰)، اخلاق اسلامی، قم: نشر اسلامی.
۱۲. پاینده، ا. (۱۳۸۱)، نهج‌الفصاحه، تهران: امیرکبیر.